

همایشی که برای
کارگران نان نشد

سمیه کپور - رئیس پیشین کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران ایران

در روزهای اخیر، همایشی با عنوان «تاب‌آوری اجتماعی» از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی برگزار شد؛ همایشی که قرار بود روایتی از ثبات و انسجام کشور ارائه دهد، اما در عمل، به جای پرداختن به دغدغه اصلی جامعه کارگری، یعنی معیشت، به گفت‌وگای انتزاعی و دور از واقعیت زیسته میلیون‌ها کارگر بدل شد.

وزیر محترم و دستیار ویژه رئیس‌جمهور در این نشست از شاخص شکنندگی دولت‌ها یا FSI(Fragile States Index) سخن گفتند؛ شاخصی بین‌المللی که از چهار مؤلفه اصلی تشکیل شده است: انسجام نخبگان، شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی. اما آنچه در این روایت غایب بود، صدای کارگری است که امروز صبح سر کار رفته و شاخص شکنندگی دولت‌ها را نمی‌شناسد. او یک پرسش ساده دارد: چرا با این همه شعار «انسجام نخبگان»، حقوقش هنوز کفاف زندگی‌اش را نمی‌دهد و سفره اش خالی است؟

نقد اول: خلط تاب‌آوری اجتماعی با انسجام سیاسی در ادبیات علمی، تاب‌آوری اجتماعی به معنای توان جامعه در مقابله با شوک‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی است؛ نه توافق نخبگان بر سر مسائل سیاسی. سخنرانان با تمرکز صرف بر مؤلفه «انسجام نخبگان» (همانگی روسای سه قوه در موضوعاتی چون حجاب، اینترنت و جنگ) و نادیده گرفتن سایر ابعاد -به‌ویژه فقر، نابرابری و فرسایش نیروی کار ماهر- مرتکب گزینش‌گری علمی آشکار شدند. انسجام در رأس هرم قدرت، بدون بازتاب در سفره خانوار کارگری، تاب‌آوری نیست؛ «مدیریت بحران از بالا به پایین» است. اعتراضات پیوسته صنفی، افت مستمر قدرت خرید و تعمیق شکاف دست‌مزد-تورم، شواهدی روشن بر این مدعاست که ثبات سیاسی در سطح نخبگان، الزاما به معنای ثبات اجتماعی و رضایت عمومی نیست.

تاب‌آوری‌ای که بر دوش مردم بار شود نه بر دوش سیاست‌گذار، نامش تاب‌آوری نیست؛ نامش «انتقال هزینه» به اقشار ضعیف جامعه است.

نقد دوم: الگوبرداری ناقص از تجربه آلمان و ارجاعات بی‌ربط

ارجاع سخنرانان به کتاب کیسینجر و مفهوم «فرهنگی استراتژیک» صدراعظم آلمان غربی پس از جنگ جهانی دوم، در همایشی با محوریت «تاب‌آوری اجتماعی»، نشان‌دهنده فاصله‌ای جدی میان دغدغه سخنران و دغدغه مخاطب است.

کارگر آلمانی پس از جنگ، در چارچوب قانون اساسی ۱۹۴۹ آلمان، به دستاوردهای زیر رسید:

- مشارکت رسمی کارگر در مدیریت بنگاه

- حضور شورای کارگری در هیئت‌مدیره کارگاه و کارخانه و...

- ایجاد اتحادیه‌های قوی و مستقل

- ایجاد صندوق بیمه بیکاری کارآمد و واقعی.

قابل تأمل است که در ارائه این ادعا، به این الگوی تاریخی استناد شد، بی‌آنکه به شرط بنیادین آن، یعنی مشارکت کارگران در تصمیم‌گیری بنگاه‌ها و به رسمیت‌شناسی کامل حق تشکیل‌یابی مستقل، اشاره‌ای شود. متأسفانه در حال حاضر مطابق آمار، بیش از ۹۰ درصد از جامعه کارگری کشور ما اساسا هیچ تشکل و حتی نمایندگی کارگری ندارند لذا این الگوبرداری گزینشی از مبانی، بدون پذیرش لوازم آن، رهیافتی ناقص است.

نقد سوم: انسجام نخبگان در شرایط معیشتی موجود، چند قرص نان به سفره مردم افزوده است؟ تجلیل از هماهنگی سه قوه در حالی صورت می‌گیرد که:

- طبق اعلام معاون وزیر بهداشت (آقای رئیسی، اردیبهشت ۱۴۰۴)، سالانه حدود ۱۰ هزار نفر بر اثر حوادث حین و ناشی از کار جان می‌یابند؛

- مزد کارگر به‌طور رسمی زیر خط فقر تعیین شده است؛

- شورای عالی اشتغال به ریاست رئیس‌جمهور، تکلیف قانونی خود را انجام ندهاده و حتی با وجود بیکاری‌های حاصل از جنگ‌های تحمیلی اخیر تشکیل هم نشده است؛

- میلیون‌ها کارگر قراردادی فاقد هرگونه امنیت شغلی‌اند؛

- رئیس‌جمهور در روز کارگر با صراحت اعلام کرد که به دلیل تجربه کارگری و درک شرایط، دستور جمع‌آوری شرکت‌های پیمانکاری را صادر کرده است؛ اما مصوبه هیئت دولت در ۵ مرداد ۱۴۰۵، حاکی

از ایقای همین شرکت‌هاست! پس این انسجام چه دستاوردی برای کارگران داشته است؟ ماده ۴۱ قانون کار صریح است، مزد باید هم با نرخ تورم تنظیم شود و هم هزینه زندگی خانوار کارگری را پوشش دهد. این یک "تکلیف قانونی" است، نه اختیار سیاست‌گذار.

نقد چهارم: تعارض منافع و استقلال علمی همایش حضور مقامی که هم‌زمان مسئولیت اجرایی دولت (دستیار ویژه رئیس‌جمهور) را بر عهده دارد و سخنرانی همایش را نیز عهده‌دار است، استقلال علمی چنین نشست‌هایی را با تردید جدی مواجه می‌کند؛ به‌ویژه آنکه در دوره تصدی همین مقام بر وزارت کار، شکاف مزد و تورم تعمیق و گسترش قراردادهای موقت تشدید شده است.



کنترل تورم

و ایجاد ثبات

در فضای

اقتصادی،

پیش‌شرط

مهمی برای

حرکت صنعت

به سمت

برنامه‌ریزی

بلندمدت است



مصرف‌کننده

ایرانی سال‌ها

برای پیشرفت

صنعت لوازم

خانگی صوری

کرده و بهای

آن را پرداخته

است، وقت آن

رسیده‌که حق

انتخاب داشته

باشد

از وضعیت یک صنعت بزرگ گزارش می‌دهد

لوازم خانگی در تنگنای فناوری و هزینه



صنعت لوازم خانگی ایران در سال‌های اخیر میان دو ضرورت هم‌زمان قرار گرفته است: از یک سو باید برای کاهش مصرف انرژی، ارتقای فناوری و افزایش کیفیت به سمت نوسازی حرکت کند و از سوی دیگر، با بازاری مواجه است که توان خرید خانوارها در آن محدودتر شده و تصمیم خرید بیش از گذشته به قیمت وابسته است. در چنین شرایطی، توسعه این صنعت فقط به میزان تولید وابسته نیست و پرسش مهم‌تر این است که چگونه می‌توان میان نوسازی صنعتی، حفظ توان تولید، ایجاد رقابت و قدرت خرید مصرف‌کننده تعادل برقرار کرد. ادامه سیاست‌های حمایتی بدون الزام به ارتقای بهره‌وری، می‌تواند فاصله صنعت با فناوری‌های روز را افزایش دهد و از سوی دیگر، فشار هزینه‌ها بر خانوار نیز امکان استقبال گسترده از محصولات جدید و کم‌مصرف را کاهش می‌دهد. این گزارش **سمنعت** در پی بررسی همین دوگانه است؛ اینکه صنعت لوازم خانگی برای عبور از شرایط فعلی به چه تغییراتی نیاز دارد و سیاست‌گذار چگونه می‌تواند هم مسیر نوسازی و رقابت را هموار کند و هم مانع از آن شود که هزینه این تحول مستقیما بر دوش مصرف‌کننده قرار گیرد.

لوازم خانگی؛ میان نوسازی، رقابت و قدرت خرید

تولید داخلی و حفظ حق انتخاب مصرف‌کننده تعادل ایجاد کند. ایجاد این تعادل به معنای کنار گذاشتن تولید داخلی نیست؛ بلکه می‌تواند تولیدکننده را به سمت کیفیت، طراحی بهتر، کاهش هزینه و توسعه خدمات پس از فروش سوق دهد. در نهایت، آینده این صنعت به میزان توانایی آن در عبور هم‌زمان از سه چالش وابسته است: نوسازی فناوری، ثبات اقتصادی و ایجاد رقابت سالم. بازار لوازم خانگی زمانی می‌تواند به مرحله تازه‌ای از رشد برسد که تولیدکننده امکان برنامه‌ریزی داشته باشد، مصرف‌کننده از قدرت انتخاب برخوردار باشد و سیاست‌گذار نیز به جای مداخله‌های مقطعی، یک نقشه روشن برای توسعه صنعت ارائه کند. هدف نهایی نباید صرفا افزایش تولید باشد؛ مهم‌تر از آن، تولید کالایی است که از نظر قیمت، کیفیت، مصرف انرژی و خدمات، توان پاسخگویی به نیاز بازار داخلی و امکان رقابت در بازارهای خارجی را داشته باشد. چنین مسیری هم به نفع تولیدکننده است و هم در نهایت می‌تواند هزینه و انتخاب بهتری را پیش روی مصرف‌کننده قرار دهد.

این هدف تنها با تغییر یک قطعه یا اصلاح محدود در خط تولید امکان‌پذیر نیست و باید کل زنجیره طراحی و تولید با رویکرد بهره‌وری بازنگری شود. اگر قرار است لوازم خانگی کم‌مصرف سهم بیشتری از بازار پیدا کنند، سیاست‌گذاری باید هم تولیدکننده را به سمت فناوری‌های جدید هدایت کند و هم شرایطی ایجاد شود که خانوار بتواند هزینه اولیه خرید این محصولات را تحمل کند. در غیر این صورت، فاصله میان فناوری مطلوب و توان خرید جامعه همچنان پابرجا خواهد ماند.

❑ رقابت؛ شرط ماندگاری صنعت

صنعت لوازم خانگی برای رسیدن به بلوغ، علاوه بر حمایت به فضای رقابتی نیاز دارد. حمایت طولانی‌مدت بدون سنجش نتیجه می‌تواند به جای افزایش بهره‌وری، انگیزه نوسازی را کاهش دهد و بازار را از پویایی دور کند. تولیدکننده زمانی برای ارتقای کیفیت، کاهش قیمت و بهبود خدمات تلاش بیشتری خواهد کرد که در برابر رقبای داخلی و خارجی، انگیزه کافی برای حفظ سهم بازار داشته باشد. بنابراین سیاست صنعتی باید میان حمایت از

صنعت لوازم خانگی ایران در نقطه‌ای قرار گرفته که ادامه مسیر آن با الگوی گذشته دشوار به نظر می‌رسد. تغییر فناوری، افزایش حساسیت نسبت به مصرف انرژی، تحولات سلیقه مصرف‌کنندگان و ضرورت حضور در بازارهای صادراتی، تولیدکنندگان را ناگزیر کرده کیفیت و بهره‌وری را هم‌زمان دنبال کنند. در چنین شرایطی، حمایت از تولید دیگر نمی‌تواند صرفا به افزایش تعداد واحدهای تولیدی یا تزریق منابع محدود شود. صنعت برای ماندن در مسیر توسعه، به سرمایه‌گذاری در فناوری، نوسازی تجهیزات و شکل‌گیری برندهای توانمند نیاز دارد. در عین حال، بی‌ثباتی اقتصادی و نوسان قیمت مواد اولیه، امکان برنامه‌ریزی بلندمدت را برای تولیدکننده دشوار می‌کند و هرگونه تصمیم برای توسعه خطوط تولید را با ریسک بیشتری همراه می‌سازد.

از سوی دیگر، مسئله انرژی به یکی از محورهای مهم آینده صنعت لوازم خانگی تبدیل شده است. افزایش هزینه انرژی و محدودیت منابع، تولید محصولات با مصرف پایین‌تر آب، برق و گاز را به یک ضرورت اقتصادی تبدیل کرده است. اما تحقق

لوازم خانگی کم‌مصرف؛ ضرورت صنعت، دغدغه خانوار

نمی‌تواند مشکلات صنعت را برطرف کند و لازم است هم‌زمان بر نحوه هزینه‌کرد منابع و مسیر نوسازی خطوط تولید نیز نظارت جدی وجود داشته باشد.

پازوکی با اشاره به تعدد تولیدکنندگان داخلی بیان کرد: فعالیت حدود هزار تولیدکننده لوازم خانگی بدون شکل‌گیری حتی یک برند ملی قدرتمند در حوزه صادرات، نیازمند بازنگری است. از سوی دیگر، تغییرات مداوم نرخ ارز و نوسان قیمت مواد اولیه‌ای مانند مس و آلومینیوم، امکان برنامه‌ریزی و عقد قراردادهای بلندمدت را برای فعالان این بازار کاهش داده است. به گفته وی، کنترل تورم و ایجاد ثبات در فضای اقتصادی، پیش‌شرط مهمی برای حرکت صنعت به سمت برنامه‌ریزی بلندمدت است.

❑ نوسازی واقعی با تعویض یک قطعه اتفاق نمی‌افتد

رئیس اتحادیه صنف فروشندگان لوازم خانگی تهران با اشاره به بی‌توجهی به برخی طرح‌های جامع برای کاهش مصرف انرژی



گفت: در سال ۱۴۰۳ طرح تولید کولرهای پلمبری مجهز به موتورهای کم‌مصرف مطرح شد که می‌توانست مصرف برق را تا ۶۰ درصد و مصرف آب را تا ۴۰ درصد کاهش دهد. پیشنهاد این بود که دولت و وزارت نیرو با خرید این محصولات و جایگزین کردن آنها با کولرهای فرسوده، زمینه کاهش مصرف انرژی در خانوارها را فراهم کنند، اما حمایت مورد انتظار صورت نگرفت و در نهایت تمرکز بر تعویض موتور کولرهای موجود قرار گرفت. در حالی که برای دستیابی به بهره‌وری واقعی، نمی‌توان تنها یک جزء دستگاه را تغییر داد؛ تمام اجزای محصول باید هماهنگ و متناسب با یکدیگر طراحی شوند تا امکان دستیابی به رده انرژی A یا بالاتر فراهم شود.



در روند رقابتی می‌تواند پیشرفت کند و خودش را به بازار جهانی برساند. اما متأسفانه در ایران مدت زمان ممنوعیت واردات لوازم خانگی طولانی شده و باعث ایجاد رخوت در صنعت لوازم خانگی شده و حتما نیاز است که رقابت ایجاد شود. مصرف‌کننده ایرانی سال‌ها برای پیشرفت صنعت لوازم خانگی صبری کرده و بهای آن را پرداخته است، وقت آن رسیده که حق انتخاب داشته باشد و بهترین کالا را از نظر و بهترین کالا را از نظر قیمت، طراحی و خدمات پس از فروش خریداری کند.

شهرستانی گفت: مصرف‌کننده ایرانی سال‌ها برای پیشرفت صنعت لوازم خانگی صبری کرده و بهای آن را پرداخته است، وقت آن رسیده که حق انتخاب داشته باشد و بهترین کالا را از نظر قیمت، طراحی و خدمات پس از فروش خریداری کند. نایب رئیس اتحادیه لوازم خانگی در پایان گفت: اگر تولیدکننده ایرانی از محل عوارض کالای وارداتی حمایت شود، توانایی رقابت با برندهای خارجی را دارد. تولیدکنندگان داخلی لوازم خانگی در بسیاری از کالاها از مزیت رقابتی خوبی برخوردارند.

سخن پایانی

مصرف انرژی در اولویت‌های بعدی قرار گیرد. بنابراین سیاست‌گذاری در این حوزه باید از حمایت صرف عبور کند و به سمت ایجاد یک مسیر پایدار برای توسعه صنعت حرکت کند. حمایت زمانی اثربخش خواهد بود که به نوسازی خطوط تولید، ارتقای فناوری، کاهش مصرف انرژی و افزایش توان رقابت منجر شود. در کنار آن، ایجاد فضای رقابتی می‌تواند تولیدکنندگان را به بهبود کیفیت و خدمات وادار کند. هدف نهایی باید شکل‌گیری صنعتی باشد که هم توان پاسخگویی به نیاز خانوار ایرانی را داشته باشد و هم بتواند در بازارهای منطقه‌ای و جهانی رقابت کند.

گره کور ممنوعیت واردات برای صنعت لوازم خانگی

شرکت‌هایی که لوازم خانگی خارجی وارد می‌کردند، خدمات خوبی ارائه می‌دادند.

نایب رئیس اتحادیه لوازم خانگی ادامه داد: با ممنوعیت واردات علاوه بر این که مصرف‌کننده به‌دلیل نبود خدمات پس از فروش متضرر می‌شود، دولت هم نمی‌تواند عوارض قانونی دریافت کند و دچار زیان می‌شود و سود نصیب قاچاقچی می‌شود. بهترین راه این است که سیاست‌گذار واردات کالا از مبادی رسمی را به اندازه نیاز و توسط شرکت‌های شناخته شده آزاد کند تا نظارت بر بازار و مطالبه خدمات پس از فروش ممکن باشد.

وی افزود: سیاست‌گذار با ابزارهایی مانند تعرفه ترجیحی می‌تواند بازار را کنترل کند. عوارضی که از واردات کالای خارجی دریافت می‌شود را نیز می‌توان صرف تولید کرد تا تولیدکننده متضرر نشود و قدرت رقابت داشته باشد. در این رقابت هم کیفیت کالا و هم قیمت بهود پیدا می‌کند.

متأسفانه در ایران مدت زمان ممنوعیت واردات لوازم خانگی طولانی شده و باعث ایجاد رخوت در صنعت لوازم خانگی شده و حتما نیاز است که رقابت ایجاد شود. در تمام دنیا زمانی که قصد حمایت از صنعت را دارند، در یک بازه زمانی مشخص ممنوعیت واردات لحاظ می‌کنند و بعد به‌تدریج واردات آزاد می‌شود. تولیدکننده

بنا براین گزارش، آینده صنعت لوازم خانگی را نمی‌توان تنها با افزایش تولید یا محدود کردن رقابت تضمین کرد. این صنعت برای عبور از چالش‌های فعلی، هم‌زمان به نوسازی فناوری، افزایش بهره‌وری و ایجاد ثبات در فضای اقتصادی نیاز دارد. تولیدکننده‌ای که با نوسان هزینه مواد اولیه و بی‌ثباتی بازار مواجه است، امکان برنامه‌ریزی بلندمدت برای توسعه و سرمایه‌گذاری را از دست می‌دهد و در نهایت سرعت نوسازی صنعت کاهش می‌یابد. از سوی دیگر، مصرف‌کننده نیز در شرایط کاهش قدرت خرید، بیش از گذشته به قیمت توجه می‌کند و ممکن است کیفیت، طراحی و